

تصویر ۱: هم‌افزایی عناصر
باغ، ادراک کلیت و همیشه
سبزی، باغ فین، کاشان.
عکس: سیدحسن تقوائی.



زبان رمز آلود در باغ ایرانی ریشه در باورها و ارزش‌های فرهنگی و محیطی ایران دارد. وجود درختان همیشه سبز از جمله رموز باغ ایرانی و همان چیزی است که باعث سازگاری و کاربری باغ ایرانی در اقلیم‌ها و محیط‌های متنوع شده است.

Pic1. The synergy of Persian garden's elements, perception of totality and evergreenery. Bagh-e Fin Garden, Kashan, Iran. Photo by: Seyed Hassan Taghvaei.

کلیت باغ و رمز "همیشه سرسبزی"



سید حسن تقوائی، مدیر
گروه معماری منظر دانشگاه
شهید بهشتی.

h-taghvaei@sbu.ac.ir

باغ ایرانی: زبانی رمزآلود

Iranian Garden; Symbolic Language
The Totality of the Garden and the "Evergreenery" Secret

چکیده: تعلق خاطر انسان به طبیعت، اگرچه در بعضی شرایط، متغیر و گاه کم‌رنگ می‌شود، اما همواره توأم با معنویت، و جلوه‌های بیان آن نیز پر رمز و راز است. در بسیاری از فرهنگ‌ها، انسان و طبیعت به مثابه یک کلیت‌اند و شناخت نحوه تعامل انسان با محیط طبیعی نیز بر همین اساس است. نتیجه این نوع ارتباط، همواره زمینه‌ساز صنعت و خلق بسیاری از هنرها و نیز موجب شکل‌گیری الگوی باغ ایرانی (پردیس)، به‌ویژه باغ‌های متأثر از ارزش‌های اسلامی در منظر فرهنگی ایران شده است.

این مقاله بر آن است که به بررسی جلوه‌های هم‌افزایی عناصر باغ و بازشناسی برخی رموز پوشیده در «کلیت باغ ایرانی» بپردازد. باغ ایرانی جوشیده از ارزش‌های فرهنگی - محیطی است تا در محیط‌های مختلف، مقیاس‌ها و اشکال گوناگون، پاسخگوی نیازهای مادی و معنوی انسانی در برقراری ارتباط با طبیعت باشد. حال مسئله اینست که رمز و راز ماندگاری الگوی باغ‌سازی ایرانی چیست و چگونه توانسته است در اقلیم‌ها و محیط‌های متنوع، سازگار و کاربردی شود؟

مطالعات موجود نشان می‌دهد که صنعت‌گران و سازندگان باغ‌های ایرانی، به باورها و اعتقادات دینی، زبان اشاره و رمز، به ویژه دانش ضمنی محیطی موجود تکیه کرده و عناصر طبیعی مورد نیاز را با در نظر داشتن ویژگی‌های مشترک آنها به طور هماهنگ به کار بسته‌اند. نتیجه نهایی این همگرایی، کلیت پر راز و رمزی است که ضمن لحاظ بسیاری از واقعیت‌های زندگی و معیشت، به زیبایی موجب تجلی لایه‌های عمیق طبیعت‌گرایی در ایران و بسیاری از مناطق جهان است.

یکی از آموزه‌های مهم، نقش درختان همیشه سبز و رمز «همیشه سرسبزی» در باورهای مردم و «کلیت باغ ایرانی» است. تجلی این کلیت، نوعی زبان رمزی برای بیان و توسعه الگویی طبیعت‌گرا در حوزه معماری منظر است.

واژگان کلیدی: باغ ایرانی، زبان رمزی، همیشه سرسبزی، کهن‌الگو، معماری منظر.

مطالعه فرهنگ‌ها و تمدن‌های انسانی به واسطه ارزش‌ها، باورها و رمزهای ماندگارشان و نیز تقدیر این فضیلت یک نیاز همیشگی است. این موضوع به خصوص در مورد "باور باغ ایرانی" و آثار آن نیز، صادق است. در این زمینه اهمیت الگوی باغ ایرانی (پردیس) به حدی است که در اغلب مراجع معتبر به عنوان یکی از مهم‌ترین الگوهای باغ‌سازی شناخته شده است. با این توجه، در بررسی باغ ایرانی که به‌ویژه متأثر از ارزش‌های اسلامی، بسیاری از رمزا و باورهای محیطی آن متعین شده است دو نکته اهمیت زیادی دارد:

قدمت باغ ایرانی از یکسو زمینه گسترده‌ای برای تعمق و پژوهش فراهم ساخته است و از سوی دیگر، نگارش در باب چیستی، چگونگی و شناخت آن به دلیل گسترده بودن حوزه‌های جغرافیایی که پذیرای الگو و مصادیق باغ ایرانی شده اند، بسیار مشکل است. به قول «مونیهان» یک واقعیت قابل ذکر در مورد باغ ایرانی همان یکنواختی طرح‌ریزی در طول قرن‌ها و در سرتاسر چنان سرزمینی پهناور در جهان است (Moynihan, 1982:vii).

با وجود چنین میراثی کهن، علاوه بر بررسی ویژگی‌های جزئی مصادیق مشخصی از باغ‌ها، جنبه‌های کلی مرتبط با شکل‌شناسی، چهارگانه‌ها و نظام هندسی باغ‌ها، می‌توان به برخی وجوه دیگر مانند ژرف‌نگری به جلوه‌های هم‌افزایی (سینرژی) ماده و معنی و زبان رمز آنها، کلیت باغ ایرانی، رابطه باغ‌سازی با دیگر هنرهای ایرانی، جنبه‌های تکنیکی، دوام فیزیکی و به‌ویژه چگونگی توسعه این الگوی باغ‌سازی، توجه کرد. به‌علاوه می‌توان ضمن بررسی لایه‌های مشترک میان مجموعه آثار منظر فرهنگی ایران از جمله باغ، برخی لایه‌های مرتبط با مکان‌سازی، رمزپردازی و رمزگشایی و نیز ارزش‌های بوم‌شناسی در باغ ایرانی را استخراج کرد.

فرضیه

باغ ایرانی به‌عنوان یک کلیت می‌تواند به مثابه یک زبان رمزی باشد. این زبان که متأثر از باورها و ارزش‌های فرهنگی و محیطی ایران است، تاکنون ویژگی‌های باغ‌سازی را از این طریق و به کمک عناصر و مفاهیم رمزگونه، منتقل ساخته است. یکی از رمزا و مفاهیم کلیدی در منظومه باغ‌سازی ایرانی، "درختان همیشه سبز" و مفهوم "همیشه سرسبزی" است.

کلیت باغ ایرانی؛ همگرایی عناصر و رمز ماندگاری

در تمدن و فرهنگ مردم ایران، احترام به طبیعت و باورهای محیطی، ریشه‌ها و لایه‌هایی عمیق دارد. اعتقادات، جلوه‌های معیشت و صناعت‌هایی چون باغ‌نشان می‌دهد که مردم این سرزمین چگونه برای زندگی با طبیعت، به ویژه محیط طبیعی خرم و سرسبز تلاش مستمر داشته‌اند. این موضوع در حالی است که در اکثر مناطق ایران، شرایط و عناصر تشکیل‌دهنده سرسبزی به خودی خود و یکجا مهیا نیست. همچنین، به جز آب که بسیار محدود است، دیگر عناصر اصلی یعنی هوا، خاک و خورشید همه حضور دارند و نیازمند خلاقیت‌های انسانی‌اند تا با دسترسی آب و شرایط معین، توأمان آفریننده سرسبزی نیز باشند.

در این وضعیت فرهنگی و محیطی، به ویژه پس از اسلام، بهشت الگوی اعلامی برای طرح‌ریزی و ایجاد اغلب باغ‌های ایرانی به حساب آمده و به عنوان الگوی جهانی نیز وجوه متمایز زیادی با دیگر الگوهای باغ‌سازی دارد. برای مثال، "گرایش غالب باغ‌های اروپایی در هماهنگی با شرایط محیط پیرامون است که اوج آن در آثار "لنوتر" مشهود است. اما باغ ایرانی (معمولاً) در تضاد با محیط و منظر پیرامون خود است" (Khansari, et al. 2004:12).

به نظر اما کلارک (Emma Clark)، "باغ‌های اسلامی مبتنی بر تصویری روحانی از جهان است، و مانند هر هنر مقدسی، هدف آن نزدیک‌تر کردن «رؤیت‌کننده» به خداست" (کلارک به نقل از فیروزان، ۱۳۷۸: ۱۶۰). بازتاب‌های این الگوی کهن نیز طی قرون گذشته و به طور مشخص در حوزه‌های شناخته شده متأثر از فرهنگ ایران، از هند و چین تا اسپانیا با هویتی همچون گذشته به روشنی مشهود است.

اما باغ ایرانی به عنوان یک کلیت، صناعت و اثر فرهنگی دارای بدایع و جنبه‌های خاصی است که به برخی از آنها کمتر توجه شده است. این جنبه‌ها هم از جنس خیال و اندیشه است و هم وابسته به واقعیت‌های فرهنگی، محیطی و بسیاری از ویژگی‌های کاربردی، که می‌توانند با تعمیق بیشتری بر فعالیت‌های کنونی معماری منظر تأثیر گذارد. در این رابطه نیز برخی پژوهش‌ها نشان داد که تاکنون بررسی جنبه‌های مؤثر بر شرایط همگرایی عناصر باغ ایرانی، بیشتر مرتبط با ویژگی چهارباغ و معماری ابنیه بوده است. در مقابل کمتر به تطابق کلیت باغ و همه عناصر با نحوه زندگی در باغ، یا سایر فعالیت‌ها از جمله باغبانی، مهندسی سایت و مخصوصاً تأثیر برخی هنرها از جمله مینیاتور، کاشی‌کاری و خطاطی توجه شده است.

در مورد رابطه باغ با دیگر صناعت‌های ایرانی، به ویژه از نظر اهمیت همگرایی عناصر

در بیان رمزی آثار نیز موارد تشابه و زمینه‌های اصل کلیت بسیار است. به‌عنوان مثال در مینیاتور که آینه بسیاری از باغ‌ها و فضا‌سازی آنهاست، "شیوه قرارگیری عناصر واقعی و طبیعی است که در زمان و مکانی واقعی نمی‌گنجد و به گونه‌ای غیر متعارف، رویایی و نمادین در کنار هم قرار گرفته‌اند" (جوادی، ۱۳۹۰).

همچنین، "پیوستگی و درآمیختن انسان، آب، گیاه، عناصر ساختمانی، کتیبه‌ها... و آنچه در زمین و آسمان مینیاتور جلوه‌گر می‌شود... از پرسپکتیو واقعی تبعیت نمی‌کند، بلکه هنرمند در چارچوب ذهنی خویش و در ادامه شیوه گذشتگان درصدد تصویر دنیایی رمزآمیز از معانی است" (همان). به علاوه مینیاتور در یک فضا‌سازی عالی و همانند باغ، بیننده را در درک و بیان مفهوم با خود شریک می‌سازد و به نظر بعضی متخصصان "مثل این است که در یک آینه روشن وقایع و ماجراهای عجیب مردم، رنگ‌ها، و مناظر غیر زمینی یک وادی افسانه‌ای را که قبلاً وضع شده بینیم" (پوپ، ۱۳۶۹: ۷۳).

در اصل کلیت باغ ایرانی، نحوه حضور و جلوه‌های آب که خود از اصلی‌ترین عناصر طبیعی است، بدون ظاهر آراسته سروهای قدکشیده و به نظم درآمده در باغ؛ و لبه‌های معین و هندسه روان جوی‌های آب، انبام‌ها و فواره‌های آن؛ و یا گل‌های معطر و رنگین میانکرت، توأم با صدای پرندگان جای گرفته در چنارهای عاشق آب؛ معنا و شرایط لازم برای درک کلی باغ و رویداد "حس مشترک" فراهم خواهد شد. این همه نیز البته از طریق عمارت ورودی و به‌ویژه بنای کوشک که تصویر آرام آب حوض اصلی یا جوشش فواره‌های آن را مال خود می‌کند؛ برای کسی که در آن زندگی کند و فرصت درآمیختن با باغ را داشته باشد کیفیت والاتری دارد (تصاویر ۲ و ۳). کیفیتی که همانند دنیایی رمزآمیز از معانی مینیاتور، تجربه بیشتر مراتب ادراک را میسر می‌سازد. آموزه اصلی این تجارب، فقط در معنا‌گرایی و یا به‌کارگیری آن عناصر نیست، بلکه برقراری شرایطی است که همه آنها یکی شوند.

بنابراین، باغ ایرانی همچون بهشت زمینی و یک کلیت، شرایط محیطی و معنایی و کیفیت فضا، زمینه درک یکی شدن انسان و طبیعت و لذت و روح و جسم را فراهم می‌سازد. این ویژگی‌ها، به دلیل وجود زمینه‌های فطری مشترک انسان‌ها می‌تواند مقبولیت، ماندگاری و ترویج الگویی از باغ‌سازی با هویت ایرانی و اسلامی را معلوم سازد.

باغ ایرانی به عنوان یک زبان رمزی

در بررسی واژه‌ها و مفاهیمی چون الگو که به نوعی با پردیس و باغ ایرانی مرتبط است، نماد و رمز جایگاهی ویژه دارد. اما منظور از رمز چیست و بازگشایی رمز در پرداخت فضایی و ساختار باغ‌های ایرانی چگونه است؟

کوماراسوامی معتقد است که "نیاز به نمادها و رمزا وقتی پدید آمد که انسان از بهشت عدن رانده شد، و لذا وظیفه هنر مقدس و نمادهای آن عبارت است از باری به انسان در کوشش او برای وصول مجدد به بهشت... به همین دلیل زبان هنر سنتی نمادین است و زبان نمادهای طبیعی بودن و رمزهای آن زبانی جهانی است" (کوماراسوامی به نقل از فیروزان، ۱۳۷۸: ۲۲۴). بعضی فلاسفه نیز معتقدند که "رمز، حقیقت را طبق یک قانون وجودی بیان می‌کند و در عین اینکه در یک صورت ظاهر شده است، در عین حال راه به بی‌نهایت دارد" (اعوانی، ۱۳۷۵: ۲۳۵). «نصر» نیز نماد را کشف نظام عالی حقیقت در نظام‌دانی می‌داند که از طریق آن می‌توان انسان را به قلمرو عالی باز گرداند.

براین اساس، در هنر زندگی، سنت و تلاش برای تطابق شرایط زندگی با نیازهای فطری و معنوی، جهان مظهر نشانه‌ها و رمزا و رمزگرایی شیوه‌ای رفتاری به شمار آمده است. همچنین، در نظام تفکر معنایی و رمزی، طبیعت بکر و پدیده‌های مرتبط با آن همچون باغ، از جمله الگوهای مهم و دربردارنده رمزهای شاخص و قابل ادراک هستند. البته کلارک معتقد است، "هرگونه فعالیت انسانی معنی والاتری نیز دارد، و از این نظر هر چیزی رمزی (سمبولیک) است و همین زبان رمزی است که در جهان امروز از دست رفته است" (کلارک به نقل از فیروزان، ۱۳۷۸: ۱۶۰).

با توجه به مفاهیم فوق و در زمینه‌های گوناگون صناعت و هنر ایران از جمله شعر، مینیاتور، معماری و به‌ویژه باغ‌سازی نمونه‌های زیادی وجود دارد که در آنها، رمز از یکسو سرچشمه‌های الهام اصالت و از سوی دیگر مناسب‌ترین زبان بیان و ارتباط معنوی به حساب آمده است. اما در فرآیند رمزگشایی در باغ ایرانی "رمزهایی است که به قلمرو محسوس تعلق دارند، خواه رمزهای مربوط به چهارگانه‌ها و یا دیگر رموزی که از صناعت و نظام‌های حاصله از نکاح این گوهرها در این عالم بوجود آمده و در چارچوب نظام‌ها و نقوش هندسی و غیره راهگشای دریافت معنای رمزا باشند. لذا این ویژگی رمز به ذهن و روح رمزپرداز اجازه می‌دهد که اشیاء را نه فقط به‌طور ناسوتی (سطحی)، بلکه با تعمق در باطن قادر به دیدن ملکوت این پدیده باشد" (منصوری، ۱۳۸۶). به یک عبارت "بتواند به عمق رفته و دیدن و اندیشیدن برای او هم‌معنی باشد" (ستاری، ۱۳۷۸: ۱۶۴).

بنابراین، برای رمزگشایی در باغ ایرانی لازم است به کلیت توجه کرد، در ادامه هنرمند

تصویر ۲: همیشه سرسبزی
درختان و همنشینی عناصر،
چشمه علی، دامغان، عکس:
حمیدرضا صالحی، ۱۳۸۹.



Pic2. The evergreenery of the trees and its companion with other elements of the garden, Cheshm-e Ali, Damghan, Iran. Photo by: Hamidreza Salehi, 2010.

تصویر ۳ : همیشه سرسبزی
درختان نخل و تأثیر آنها بر ایجاد
خرداقلیم، نارنجستان قوام، شیراز.
عکس : ساناز نوش آفرین، ۱۳۸۸.



Pic3. Evergreenery of the Pulms and their affections on microclimate, Naranjستان-e Ghavam, Shiraz, Iran. Photo by: Sanaz Nooshafarin, 2009.

می‌شود. در این زمینه نیز رمز و تمثیل توانسته‌است که وسیله ابلاغ حقایق بنیادی شود و اساس تفکر در باغ‌های اسلامی به حساب آید. باغ‌ها نیز بدون کاستی معانی و حذف حقایق نهفته خود، در یک کلام "هزار معنی" را به زبان رمز انتقال داده‌اند.

بنابراین، در باورهای مجموعه سازندگان باغ‌های ایرانی، محصول نهایی، ترازوی متعادلی است از صورت ظاهر که عمارت باغ است و به واقعیت‌های کمی و حیاتی پاسخ می‌دهد، تا جلوه طبیعت مانند چشمه‌ای از آن تراوش کند و حضور خالصانه معدود عناصر خود را با ما شریک سازد. این موضوع نشانگر قابلیت‌های الگوی باغ ایرانی، مفاهیم و رموز آن همچون "همیشه سرسبزی" است. مفهومی که خود، متکی به رمز درختان همیشه سبز انواع باغ‌ها، باغ‌مزارها، کاخ‌باغ‌ها و حتی حیاط خانه‌های ایرانی است ■

پی‌نوشت

۱. سید حسین نصر معتقد است کلمه پردیس هم در غرب به صورت پارادایس و به نام بهشت شناخته شد و هم در قرآن کریم و زبان عربی به واژه فردوسی تبدیل شد. این بدان معنی نبود که بهشت چیزی جز خاطره باغ‌های زیبای این جهانی در اذهان و خیال مردمان قدیم است (چنانکه مادی‌گرایان معتقدند)، بلکه بر عکس بدین معناست که پردیس این جهانی در ایران همواره به صورت سایه و ظل فردوس برین شناخته می‌شد.
۲. نمونه‌های مورد اول می‌تواند رمزگشایی باغ ایرانی، مفاهیم سرسبزی و تضاد باشد. مورد دوم دربردارنده بعضی جنبه‌ها چون ویژگی‌های خرداقلیم و باغبانی در باغ است.
۳. در این زمینه ر.ک. به تعدادی از پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد معماری و معماری منظر به راهنمایی نگارنده در رابطه با باغ ایرانی که در منابع معرفی شده‌اند. برای مثال ر.ک. به: (اویسی، ۱۳۸۸ و میرسپاسی، ۱۳۸۸).
۴. ورای حواس پنجگانه که ارسطو آن را حس مشترک می‌نامد.
۵. به جز باغ‌های کشمیر که نظیر ایران است.
۶. در این رابطه ر.ک. به قرآن کریم، سوره الرحمن، آیه‌های ۶۲، ۶۴، ۶۸ و نیز سوره واقعه، آیه‌های ۲۷ الی ۳۵.

منابع

- اعوانی، غلامرضا (۱۳۷۵) حکمت و هنر معنوی، تهران: گروس.
- انصاری، مجتبی (۱۳۸۹) باغ ایرانی، زبان مشترک منظر در ایران و هند، مجله منظر، شماره ۱۳، صص ۱۱-۶.
- اویسی، سامان (۱۳۸۸) بررسی فرآیند ادراک در باغ ایرانی، رساله کارشناسی ارشد معماری منظر، دانشگاه شهید بهشتی.
- پوپ، آرتور (۱۳۶۹) آشنایی با مینیاتورهای ایران؛ بررسی و تحقیق در مورد ریشه هنر مینیاتور (نقاشی ایرانی) و مکتب‌های مختلف آن، ترجمه: حسین نیر، تهران: انتشارات بهار.
- جوادی، شهره (۱۳۹۰) منظر طبیعت در مینیاتور ایرانی؛ تحلیل منظرپردازی نگاره‌های همایون، مجله منظر، شماره ۱۵، صص ۱۵-۱۲.
- ستاری، جلال (۱۳۷۸) اسطوره و رمز، تهران: انتشارات سروش.
- فیروزان، مهدی (ویراستار)، (۱۳۷۸) راز و رمز هنر دینی، ترجمه مقالات به انگلیسی: اسماعیل سعادت، تهران: انتشارات سروش و مرکز مطالعات دینی.
- منصور، سیما (۱۳۸۶) کیفیت فضایی باغ ایرانی در ارتباط با چهارگانه‌ها، رساله کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه شهید بهشتی.
- میرسپاسی، مریم (۱۳۸۸) شناخت منظر در باغ ایرانی، رساله کارشناسی ارشد معماری منظر، دانشگاه شهید بهشتی.

مجبور می‌شود که به منظور وارد کردن زمینه‌هایی خیالی و الهی به حوزه ادراک انسانی، در شکلی محسوس و قابل فهم به عنوان نماد و رمز؛ که خود یک زبان است؛ به آنچه که نامحسوس است صورت خارجی داده و آن را مجسم و منتقل سازد. این گونه است که "زبان رمز، با اهل معرفت سخن می‌گوید و در صناعت‌های ایرانی این رمزها به زبان هنر ترجمه شده‌اند. بر همین اساس، صنعتگران و هنرمندان ایرانی از جمله معماران و سازندگان باغ‌ها که به الگوهای رمزی معرفت زیادی داشتند الگوی هنرهای رمزی را هر بار در کالبدی نو می‌دیدند و بدین‌سان در سکوت با زبان رمز به بیان مفاهیم رمزی می‌پرداختند" (منصوری، ۱۳۸۶: ۱۲۸).

درخت؛ رمز همیشه سرسبزی

در باغ ایرانی پس از عنصر آب و نحوه حضور آن، مهم‌ترین نقش را می‌توان به درخت و مخصوصاً درختان همیشه سبز داد. درختانی چون سرو، نخل، نارنج و کاج که متناسب با شرایط اقلیمی و بومی خاص هر منطقه، فضای کلی و به ویژه محور اصلی باغ را در کنار دیگر درختان خزان‌پذیر، از جمله چنار متأثر از خود ساخته‌اند. این ویژگی، اگرچه در توسعه خود و به دلیل تطابق بیشتر با شرایط محیطی متحول شده است، اما همواره به حفظ الگو و کیفیت آن کمک کرده است. برای مثال "در باغ‌سازی هند که متأثر از باغ ایرانی است، به جای درختان بلند از درختچه‌های تزئینی، گل‌ها، ریاحین و احتمالاً گیاهان دارویی در تکمیل فضایی باغ استفاده شده است" (انصاری، ۱۳۸۹).

اهمیت کاشت انواع درختان مخصوصاً درختان همیشه سبز در باغ‌های ایرانی، جدای از نیازهای مادی از جمله پایداری محیطی، آسایش ناشی از هم‌نشینی آب و سایه درختان و ایجاد شرایط بصری مناسب، به‌ویژه در باغ‌سازی دوره اسلامی مرهون "رمز سرسبزی" بهشت و توصیف درختان بهشتی است. بهشت موعود و درختانی که آنگونه در قرآن کریم توصیف شده‌اند، به عنوان یک نعمت الهی "در منتهای سبزی و خرمی" اند و سایه تمام‌ناشدنی درختان پربرج سایه‌دار آن همچون سدر، ممد نشاط و خوشی است: "در ارتباط با درخت و رمز، «گنن» معتقد است که "درخت یکی از چندین رمز «محور عالم» است. محور عمودی نمودار این محور است" (منصوری، ۱۳۸۶).

بدین ترتیب، در زمینه نقش بعضی درختان و همگرایی در کلیت باغ ایرانی، به‌ویژه باور عمیق مربوط به آنها می‌توان از تطابق انواع صناعت‌ها و هنرهای ایرانی نیز کمک گرفت. برای مثال در مینیاتور، درختان سرو حالتی خمیده و تابیده شده در باد را به خود گرفته و همین شکل نمادین، در پارچه‌ها یا فرش به شکل بته‌جقه درآمده است. همچنین، در باغ‌های ایرانی و مصادیق آن، درختانی چون سرو و نخل نه فقط یک نماد، بلکه به عنوان درختان همیشه سبز، اشاره به رمز و مفهوم همیشه سرسبزی دارند (تصویر ۳)؛ درخت سرو که چون شاخه‌های آن راست رسته و یا از قید کجی و پیوستن به شاخ درختان دیگر فارغ است، اشاره‌ای به آزادی و استقامت دارد. نخل با قدی بلند، همچون نشانه‌ای در بیابان‌ها، و به عنوان سایبانی بلند در شرایط سخت اقلیم گرم و خشک، خرداقلیمی برای حیات دیگر موجودات زنده از جمله درختان نارنج و پرتقال و بسیاری دیگر از محصولات زراعی مورد نیاز انسان است.

در تبیین ارزش‌های نمادین و رمزهای مترتب به درختان باغ ایرانی، و برای مثال در رابطه با رمز درخت سرو، این نکته اهمیت دارد که اصولاً در هنرها و به‌ویژه هنرهای مقدس، "یک رمز یا سمبل مثل آیین شفاف است که حقایق عالم ملکوت را جلوه گر می‌کند. یک سمبل، یک امر وجودی است و اساس وجود بر سمبولیزم است" (اعوانی، ۱۳۷۵: ۲۳۴). بنابراین به نظر می‌رسد که جنبه‌های مطرح شده برخلاف آن چیزی است که امروزه به گونه‌ای وضعی و قراردادی، و به صورت جزئی در بسیاری از محوطه‌ها و باغ‌سازی‌های متأخر، در سطح شکل و عناصر مجرد پذیرفته شده و فارغ از کیفیت همگرایی لازم به کار رفته است.

نتیجه‌گیری

اغلب تصورات از باغ ایرانی به جای آن که متوجه کلیت و ترکیب کامل عناصر آن باشد، بیشتر معطوف به یکایک اجزای آن است و به همین دلیل کمتر نشانی از کیفیت همچون گذشته زندگی و روح باغ ایرانی فهمیده می‌شود. لذا برای فهم ویژگی‌های ذاتی و زبان بیان باغ ایرانی، توجه به کالبد آن به‌تنهایی کافی نیست. بلکه باید جنبه‌های گوناگون از جمله زندگی جاری در آن و هم‌افزایی را نیز هم‌زمان درک کرد.

پژوهش‌های موجود معلوم کرد که جلوه‌های "کلیت باغ ایرانی" توانسته در زمان‌های طولانی، رمزگشای بسیاری از پیغام‌های رمزی میان انسان و طبیعت و نوعی "زبان رمزی" باشد. در این صورت "زبان باغ" همانند یک زبان الگو، شرایط کیفی زندگی انسان‌ها را به واسطه عناصر و مفاهیم رمزی منتقل ساخته و در سرزمین‌ها و فرهنگ‌های متفاوت ادراک